

برکت و اسباب آن در قرآن و حدیث

جمال فرزندوحی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۳

زهرا زاهری**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۵

روح الله زاهری***

چکیده

اسباب این جهان، منحصر به ظواهر و مادیات نیست؛ بلکه در ماورای عالم مادی، امور دیگری به نام معنویات وجود دارد که ارتباطی بس دقیق با مادیات و ظرافتی قابل تحسین دارد. یکی از این امور معنوی، واژه برکت است که در قرآن به صورت‌های تبارک، بارک، بارکنا، بورك، برکات، مبارک و مبارکه جمعاً سی و دو بار به کار رفته است. این تحقیق به بررسی واژه برکت و اسباب آن مانند قرآن کریم، نماز، حج، امر به معروف و نهی از منکر، عیادت از بیمار، صدقه، مکان‌ها و زمان‌ها، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و حیوانات بابرکت از دیدگاه قرآن و حدیث می‌پردازد. روش تحقیق آن به صورت کتابخانه‌ای است که از قرآن کریم، منابع تفسیری و روایی و نرم افزارهای قرآنی و حدیثی استفاده شده است. آشنایی با اسباب و عوامل افزایش برکت در زندگی و بکارگیری عملی و کاربردی آن در زندگی از اهداف این نوشتار می‌باشد.

کلیدواژگان: زکات، نماز، سحرخیزی، دعا، قناعت، مکه، کشاورزی، رمضان.

پرتال جامع علوم انسانی

rm201047@yahoo.com

roohallah zaheri@yahoo.com

* استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه رازی.

** مدرس دانشگاه ایلام و فرهنگیان.

*** مدرس الهیات دانشگاه پیام نور ایلام.

نویسنده مسئول: زهرا زاهری

مقدمه

برکت به معنای فزونی نعمت و دوام آن، یکی از مفاهیم معنوی مهم در اکثر ادیان جهان می‌باشد و با وجود اینکه شاید این مفهوم تنها در جهان بینی الهی معنا و مفهوم واقعی خود را می‌یابد اما به طور کلی در همه جوامع به عنوان عامل معنوی مؤثر در قلمرو رویدادهای زندگی، مورد نظر و توجه قرار دارد. برکت در عرصه ادیان الهی مفهومی اعتقادی است که مؤمنان را از ایمان و دینداری خویش، به نوعی رضایتمندی پیوند می‌زند. مقصود از برکت در لسان دین آن چیزی است که در آن خیر معنوی و یا مادی منتهی به معنوی باشد. واژه برکت در قرآن به صورت‌های تبارک، بارک، بارکنا، بورک، برکات، مبارک و مبارکه جمعاً سی و دو بار به کار رفته است (عبد الباقی، المعجم المفسر، ج ۱). مفسران معانی متفاوتی از جمله ثبات خیر الهی در اشیاء، نمو و زیادی، سعادت، علو و برتری و دوام و استمرار را برای آن تعریف کرده‌اند. برکت خیر فراوانی است که با نمو و رشد تقارن دارد؛ اعم از اینکه آن خیر از نظر مقدار کم یا زیاد باشد. موضوع برکت از مواردی است که کم‌تر به آن پرداخته شده و از همین رو عموماً در بیان معنای آن را با واژه نعمت هم‌معنا می‌گیرند. در این نوشته ما به معنای لغوی و اصطلاحی این واژه پرداخته و آیات مربوط به آن را استخراج نموده‌ایم و مباحثی چون اسباب و عوامل برکت را در ادامه بررسی خواهیم نمود.

فرضیه تحقیق

سؤال اصلی: مفهوم برکت از منظر قرآن و حدیث، ابعاد و شؤون آن چیست؟
سؤالات فرعی: مهم‌ترین وجوه معانی و کاربردهای قرآنی و روایی واژه برکت و مشتقات آن چیست؟ انواع برکت کدام‌اند؟ اسباب برکت در زندگی چه چیزهایی هستند؟ افراد بابرکت، زمان‌های بابرکت و مکان‌ها و ... کدام‌اند؟

پیشینه تحقیق

با وجود جست‌وجو در سایت‌های مختلف و کتابخانه‌ها به کتابی تحت این عنوان برخورد نکردیم البته به صورت جدا از هم و به صورت متفرقه، مقالاتی در مورد برکت از

دیدگاه قرآن و حدیث از جمله پایان نامه آقای علوی که در آن به مشتقات برکت که ۳۲ آیه می‌باشد، به طور کامل پرداخته نشده است.

کتاب «خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث» نوشته آقای محمدی ری شهری به ذکر پدیدآورنده خیر و برکت و صرفاً ذکر آیات و احادیث در مورد اسباب و موانع آن پرداخته و شرح و تفصیلی در آن دیده نمی‌شود. همچنین چند مقاله از جمله «برکت در قرآن» آقای محمد دارینی، و مقاله‌ای از آقای محمد صادق سلیمیان، «برکت در قرآن و حدیث» از خانم مرضیه کوثری مختصری به این موضوع پرداخته‌اند.

برکت در لغت و اصطلاح

برکت در اصل از "برک البعیر" می‌باشد. وقتی شتر روی زمین می‌نشیند و سینه او به زمین می‌رسد و به حالت ثبات و قرار در می‌آید؛ عرب می‌گوید برک البعیر. پس برکت به معنای ثابت بودن می‌باشد و همچنین معنای رشد و نمو و زیاد شدن هم می‌دهد (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ۳۵۹). برخی نوشته‌اند: برکت به معنای خیر بسیار است؛ چه مادی و چه معنوی (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۴۲). برکت ثبوت خیر خداوندی در چیزی است؛ همچنان که آب در برکه جای می‌گیرد. و مبارک چیزی است که این خیر در آن باشد و آیه «وَهَذَا زَكْرٌ مِّمَّا بَرَكَ أَنْزَلْنَا» (انبیاء/۵۰) به همین معنا می‌باشد. روایتی هم که می‌گوید: «هیچ مالی از صدقه دادن کم نمی‌شود» مقصودش همین نقصان غیر محسوس می‌شود؛ لذا مقصود از برکت در زبان دین آن چیزی است که در آن خیر معنوی و یا مادی منتهی به معنوی باشد. برکت به معنای خیر بسیار و مبارک به معنای محلی است که خیر کثیر بدانجا افاضه و داده شود (طبرسی، ج ۵: ۲۷۴).

واژه‌های هم‌خانواده برکت در قرآن

واژه‌های هم‌خانواده برکت در قرآن به صورت تبارک (۹ بار)، بارکنا (۷ بار)، مبارک (۱۲ بار)، برکات (۳ بار) و بورک (۱ بار) آمده است که جمعاً ۳۲ مورد می‌باشد (عبد الباقی، المعجم المفهرس). در این قسمت به ذکر آیاتی که در آن مشتقات کلمه "برک" به کار رفته می‌پردازیم.

۱. برکات

خداوند متعال در سه آیه از کلمه برکات که در لغت جمع برکه و به معنای افزایش زیادت و سعادت است استفاده می‌نماید (رحیمی اردستانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۲). در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

﴿... أَمْنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ...﴾

در این آیه استعاره به کنایه به کار رفته است؛ برای اینکه برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد (طباطبایی، ج ۱: ۲۰۱).

﴿قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ...﴾ (هود/۴۸)

«گفته شد ای نوح با سلامت و برکت از ناحیه ما بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تو آمد؛ فرود آی...»

خداوند به این گروه مؤمنان اطمینان داد که درهای برکات الهی به روی شما گشوده خواهد شد و از نظر زندگی هیچ‌گونه نگرانی به خود راه ندهید که محیطی سالم و پربرکت برای شما فراهم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۲۱).

﴿رَحِمْتُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ...﴾ (هود/۷۳)

«رحمت و برکات خدا شامل حالتان است...»

رحمت خدا و برکاتش بر اهل بیت بوده و هست. چه برکتی بالاتر از وجود پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۷۴).

۲. بورک

خداوند منان در یک آیه از واژه بورک استفاده کرده است:

﴿فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَن فِي النَّارِ﴾ (نمل / ۸)

«و چون به آتش رسید؛ ندا داده شد که هر که در این آتش است و هر که پیرامون آن است؛ مبارک باد»

۳. تبارک

خداوند تبارک و تعالی در نه آیه یا اینکه امر خود را دارای برکت می‌داند و یا صفت برکت را برای خود قرار داده است؛ کلمه تبارک فقط برای خود خداوند به کار رفته است.

این کلمه به معنای پاک و منزّه نیز می‌باشد (سیاح، ج ۱: ۱۱۲). تعدادی از این آیات عبارت‌اند از:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ...﴾ (فرقان/۱)

«بزرگ و لایق بزرگی است آن خدایی که قرآن را نازل کرد...»

این نشان می‌دهد که برترین خیر و برکت آن است که انسان وسیله‌ای برای شناخت، شناخت حق از باطل در دست داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۲۱).

﴿تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا...﴾ (فرقان/۱۰)

«پربرکت است اگر خواهد بهتر از این‌ها به تو می‌دهد...»

نکته‌ای که در این آیه است التفاتی است که در آن به کار رفته است؛ چون جا داشت بفرماید «تبارک الذی ان شاء جعل لی کذا وکذا» ولی فرمود: «بزرگ است خدایی که اگر می‌خواست برایت چنین و چنان قرار می‌داد. با این التفات اشاره کرد به اینکه کفار آن قابلیت را ندارند که روی سخن متوجه ایشان شود. چون خودشان به فساد و بطلان پیشنهادهایشان واقف‌اند (طباطبایی، ج ۱۵: ۱۸۵). همچنان که در سوره اسراء نیز به همین مقدار اکتفاء نموده فرمود: ﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ (اسراء/۹۳).

﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا...﴾ (فرقان/۶۱)

«پربرکت است آن که در آسمان‌ها برج‌هایی نهاد و ...»

کلمه تَبَارَكَ تنها در قالب ماضی به کار رفته و در این سوره سه بار آمده است (آیات ۱۰، ۱ و ۶۱) و چنانکه گفته شد یا از برک، به معنای ثابت و پایدار است. یا از برکه به معنای خیر زیاد است.

﴿وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ (زخرف/۸۵)

«و کسی که ملک آسمان‌ها و زمین و ما بین آن دو از اوست مصدر خیر بسیار است...» در تفسیر «المیزان» آمده است که این آیه ثنایی است بر خدای تعالی به داشتن خیر کثیر؛ چون معنای مبارک بودن این است که محل صدور خیر کثیر باشد و هر یک از صفات سه‌گانه‌ای که در آیه شریفه آمده، حجتی مستقل بر یگانگی خدا در ربوبیت است (طباطبایی، ج ۲۱: ۱۳۱).

﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (رحمن/۷۸)

«چه پربرکت است نام رحمان خدا که پروردگار تو و دارای صفات جلال و جمال است»

شایسته‌ترین کسی که عنوان تبارک برای او سزاوار است؛ ذات پاک خداوند است که سرچشمه همه خیرات و برکات می‌باشد. این تعبیر به خاطر آن است که در این سوره انواع نعمت‌های الهی در زمین، آسمان، خلقت بشر، دنیا و آخرت آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۸۷).

﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مؤمنون/۱۴)

«پس آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است»

تبارک از خدای تعالی، به معنای اختصاص او به خیر کثیری است که به بندگان خود افاضه می‌کند و خلق به معنای تقدیر است. پس این خیر کثیر همه‌اش در تقدیر او هست (طباطبایی، ۱۴۰۶، ج ۱۵: ۲۷).

۴. بارکنا

خداوند متعال در هفت آیه چیزهایی را نام برده که به آن‌ها برکت عطا نموده است. در این آیات از لفظ شریف و گرانبگر "بارکنا" استفاده نموده است (سیاح، ج ۱: ۱۱۲).

﴿يُنَادِي مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ...﴾ (اسراء/۱)

«خدایی که در مبارک شبی بنده خود محمد(ص) از مسجد حرام(مکه معظمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را مبارک ساخت سیر داد...»

مجاهد گوید: «یعنی اطراف آن را مبارک ساختیم؛ زیرا آنجا را مقر پیامبران و محل نزول فرشتگان گردانیده‌ایم». بدین ترتیب از آلودگی شرک، پاک است و پیامبران در آنجا به پرستش خداوند یکتا پرداخته‌اند و مشرکان که بازار خود را کساد دیده‌اند؛ از آنجا رخت بر بسته‌اند. بنابراین اطراف مسجد الاقصی هم از برکات دینی و هم از برکات دنیوی برخوردار است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶: ۶۰۸).

﴿مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...﴾ (اعراف/۱۳۷)

«و خاورها و باخترهای آن سرزمین را که برکت در آن نهاده بودیم»

جمله بارکنا فیها اشاره به آبادی فوق العاده این منطقه، یعنی مصر و شام است که هم در آن زمان و هم در این زمان از مناطق پر برکت دنیا محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۳۳۰).

﴿وَنَجِيئَةً وَّلَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/۷۱)

«او و لوط را با مهاجرت به سرزمینی که در آنجا برای همه جهانیان برکت نهاده‌ایم؛

نجات دادیم»

گرچه نام این سرزمین صریحاً در قرآن نیامده است؛ ولی با توجه به آیه اول سوره اسراء ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ﴾ معلوم می‌شود همان سرزمین شام است که سرزمینی است هم از نظر ظاهری پربرکت و حاصلخیز و هم از نظر معنوی چراکه کانون پرورش انبیاء بوده است.

﴿إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ﴾ (انبیاء/۸۱)

«در نتیجه به فرمان وی به سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم؛ روان بود و ما به

همه چیز داناییم»

در «تفسیر قمی» در ذیل آیه می‌خوانیم: «باد از هر سو به سرزمین شام و بیت

المقدس که خدا برکتش داده بود می‌ورزید» (قمی، ۱۳۱۳ق، ج ۲: ۷۴).

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا﴾ (سباء/۱۸)

«و ما بین آنان و دهکده‌های پربرکت قریه‌ها قرار دادیم که یکدیگر را می‌دیدند»

در اینکه منظور از سرزمین‌های مبارک کدام منطقه است؟ غالب مفسران آن را به

سرزمین شامات (شام، فلسطین و اردن) تفسیر کرده‌اند؛ چراکه این تعبیر درباره همین سرزمین در آیه اول سوره اسراء و ۸۱ انبیاء آمده است. بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که منظور آبادی‌های صنعاء یا مارب است که هر دو در منطقه یمن واقع شده است. و این تفسیر بعید نیست؛ زیرا فاصله بین یمن که در جنوبی‌ترین نقطه جزیره عربستان است با شامات که در شمالی‌ترین نقطه قرار دارد به قدری زیاد است و از بیابان‌های خشک و سوزان پوشیده بوده است که تفسیر آیه به آن بسیار بعید به نظر می‌رسد. بعضی نیز احتمال داده‌اند که منظور از سرزمین‌های مبارک، سرزمین مکه باشد؛ که آن هم بعید است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۶۴).

۴. مبارک

خداوند در ۱۲ آیه از کلمه مبارک استفاده کرده است (رحیمی اردستانی، ۱۳۷۷، ج ۱:

۱۱۳). اکنون به برخی از آن آیات اشاره می‌کنیم:

﴿لَلَّذِي بِكَاتِبَةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۹۶)

«آن خانه‌ای است که در مکه واقع است. خانه‌ای پربرکت که مایه هدایت همه عالمیان است»

در «تفسیر نمونه» مبارک به معنی پربرکت و پرفایده آمده است و کعبه از این جهت مبارک است که هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی در یکی از پربرکت‌ترین سرزمین‌های جهان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۴).

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ...﴾ (انعام/۹۲)

«این کتابی است که ما آن را نازل کردیم. هم مبارک است و هم تصدیق کننده...»

قرآن را از این جهت "مبارک" نامیده است که خواندن و عمل به آن خیر است. در این کتاب دانش اولین و آخرین و آمرزش گناهان و بیان حلال و حرام است.

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ...﴾ (انعام/۱۵۵)

«و این کتابی است پربرکت که ما نازلش کردیم تا پیرو آن باشید...»

کلمه هذا اشاره به قرآن است و اگر آن را ذکر مبارک خواند؛ بدین جهت است که قرآن ذکری ثابت، دائم و کثیر البرکات است، هم مؤمن از آن بهره‌مند می‌شود و هم آسایش کافر را در جامعه بشری تأمین نموده است. همه اهل دنیا از آن منتفع می‌گردند؛ چه آن را قبول داشته باشند و چه نداشته باشند؛ چه به حقانیت آن اقرار داشته باشند و چه منکر آن باشند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۵۹۷).

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا... حَيًّا﴾ (مریم/۳۱)

«و مرا هر کجا که باشم؛ مایه رحمت و برکت گردانید. و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرد»

در «کافی» و «معانی الأخبار» از امام صادق (ع) روایت کرده‌اند که در معنای کلمه مبارک در آیه «مُبَارَكًا» فرمودند: «یعنی سودمند». این روایت در «الدر المنثور» از ابوهریره از رسول خدا به این عبارت نقل شده که رسول خدا در معنای کلام عیسی که گفت: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» فرمود: «یعنی به هر سو که متوجه شوم برای مردم سودمند و پرفایده باشم» (طباطبایی، ۱۴۰۶، ج ۱۴: ۶۹).

﴿...مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٍ...﴾ (نور/۳۵)

«... و آن چراغ با روغن زیتونی صاف و روشن باشد که از درخت پربرکت زیتون (سرزمین مقدس) گرفته شده باشد...»

این آیه خبر بعد از خبر، برای مصباح است. یعنی مصباح می‌سوزد در حالی که اشتعال خود را از درخت مبارک زیتونی گرفته که نه غربی است و نه شرقی. یعنی اشتعالش از روغنی است که از درخت زیتون گرفته می‌شود (المیزان، ج ۱۵: ۱۶۵).

﴿فَسَلِّمُوا عَلٰی اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً﴾ (نور/۶۱)

«خویشتن را سلام کنید که درودی از جانب خدا مبارک و پاکیزه است»

منظور از تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً این است که تحیت را به نوعی با خدا ارتباط دهند. یعنی منظور از سلام علیکم این باشد که سلام خدا بر تو باد. یا سلامتی تو را از خدا می‌خواهم؛ چراکه از نظر یک فرد موحد، هرگونه دعایی بالأخره به خدا باز می‌گردد و از او تقاضا می‌شود و طبیعی است دعایی که چنین باشد؛ هم پر برکت (مبارک)، هم پاکیزه و طیب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۶۰).

﴿كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ اِلَيْكَ مُبَارَكًا لِيُذَكِّرَ...﴾ (ص/۲۹)

«این کتابی است که ما به سوی تو نازلش کردیم تا در آیات آن تدبر کنند...»

هدف از نزول این کتاب بزرگ این نبوده که تنها به تلاوت و لقلقه زبان قناعت کنند بلکه هدف این بوده که آیاتش سرچشمه فکر و اندیشه و مایه بیداری وجدان‌ها گردد و آن نیز به نوبه خود حرکتی در مسیر عمل بیافریند. هر خیر و برکتی بخواهید در آن است؛ به شرط اینکه در آن تدبر کنید و از آن الهام بگیرید و به حرکت درآئید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۲۶۸).

اسباب برکت

نباید پنداشت که نزول برکت الهی، منافات با عمل سایر عوامل دارد؛ زیرا معنای اینکه خداوند اراده نمود که فلان چیز دارای برکت و خیر باشد؛ این نیست که اثر اسباب و علل مقتضی را ابطال کند؛ برای اینکه اراده خداوند سببی در طول سایر علل و اسباب است نه در عرض آن. با مراجعه به آیاتی که لفظ برکت با اشکال مختلف در آن‌ها آمده، معلوم می‌شود که از نظر قرآن کریم، هر عنوانی می‌تواند مصداقی برای برکت باشد. تعدادی از اسباب برکت عبارت‌اند از:

۱. قرآن کریم

قرآن در هر عصر و زمانی جدید است و تا قیامت هر چه را بشر بدان نیازمند باشد تأمین خواهد کرد. / امام علی (ع) فرمود: «البیت الذی یقرأ القرآن ویذکر الله فیہ تکثر بَرَکَتِهِ وَتَحَضُّرُهُ الْمَلَائِکَةُ وَتَهْجَرُهُ الشَّیَاطِینُ» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۱۹۹): «خانه‌ای که در آن قرآن تلاوت می‌شود و یاد و ذکر خدا در آن وجود دارد؛ برکتش زیاد می‌شود و فرشتگان در آن حاضر و شیاطین از آن دور می‌شوند». از جمله چیزهایی که از نگاه خداوند، دارای برکت فراوانی است قرآن می‌باشد؛ چراکه در این کتاب آسمانی خیر کثیر نهفته شده و همواره مردم را به استوارترین راه هدایت می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۲۷۹).

۲. پروا، اطاعت و فرمانبرداری از خداوند

بر کسی پوشیده نیست که اطاعت کامل و بی چون و چرای خداوند به عنوان مبدأ بی‌انتهای قدرت، حکمت و وجودی که کمال مطلق است؛ موجبات برکات بی پایان دنیوی و اخروی است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ...﴾ (اعراف / ۹۶)

«اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند؛ برکات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم. ولی پیامبران را به دروغگویی نسبت دادند. ما نیز به کیفر کردارشان آن‌ها را مؤاخذه کردیم»

از این آیه استفاده می‌شود که باید اکثریت جامعه اهل ایمان و تقوا باشند تا مشمول الطاف و برکات شوند و نیز می‌توان استفاده کرد که سرمایه‌گذاری روی فرهنگ معنوی جامعه، بازده اقتصادی هم دارد. کرم خداوند و فضل و عنایت او که در اثر گناه قطع شده است بار دیگر در اثر طاعت و بندگی مانند باران بر سر مردم فرو می‌ریزند و رحمت خداوند بعد از دور شدن بار دیگر نزدیک می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۰).

۳. نماز

نماز بهترین وسیله برای سازندگی، سیر و سلوک به سوی خداوند و هسته بنیادین حرکت تکاملی به سوی والاترین هدف انسانیت و جامعه نمونه بشری است (محمدی

ری شهری، ۱۳۷۷: ۱۰). پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَفِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ فَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ وَلِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَهُدَى وَإِيمَانٌ وَنُورٌ الْمَعْرِفَةِ وَبَرَكَاتٌ فِي الرِّزْقِ»: «نماز از آیین‌های دین است و رضای پروردگار در آن است و آن راه پیامبران است، برای نمازگزار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، فروغ معرفت و برکت در روزی است» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۵۲۲). نماز یک نیاز حقیقی و ضروری است، و به میزان ضرورتی که برای فرد و اجتماع دارد دارای فایده‌ها و آثار نیکوی فردی و اجتماعی است (راشدی، ۱۳۸۰: ۱۳).

۴. بسم الله گفتن

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ... إِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ - بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُتَمِّمَ لَهُ أَمْرَهُ وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۰۰): «خداوند فرمود هرگاه بنده من بگوید بسم الله الرحمن الرحيم خداوند متعال می‌گوید بنده من با نام من آغاز کرد پسیر من رواست که کارهایش را به انجام رسانم و او را در همه حال برکت دهم».

۵. عیادت از بیمار

بیمار ناتوان است و قوای جسمانی او تحلیل یافته است، و از وضعیت روحی و روانی خوبی برخوردار نیست ولی وقتی فردی به عیادت او می‌رود برای لحظاتی شاید درد جسم او تسکین می‌یابد و از لحاظ روحی نیز اندکی راحت می‌شود. رسول خدا (ص) فرمود: «هر کس که بیماری را عیادت کند؛ در برکت خدا اندر شود، و چون در کنار بستر بیمار نشیند در برکت فرو رود» (طرابلسی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۷۹). بیمار از دیدار دوستان خوشحال می‌شود؛ و این سببی است برای ورود در برکت و رحمت الهی

۶. حج

بهره‌برداری از ذخائر عظیم این فریضه الهی فراتر از جنبه فردی آن است و آثار و برکاتی که این همایش عظیم می‌تواند برای مسلمانان بلکه برای آحاد مردم جهان داشته

باشد؛ بسی مهم‌تر و باارزش‌تر از برکات فردی است (محمدی ری‌شهری، ۳۸۲: ۲۰). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «حَجَّ الْبَيْتِ وَعَتِمَارَهُ فَأَنْتَهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ»: «حج و عمره، نابودکننده فقر است». «در این سفر باید سفر آخرت را که پیش روی اوست و باید به زودی آن را طی کند به یاد آورد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰).

۷. امر به معروف و نهی از منکر

معروف در لغت به هر چیزی گفته می‌شود که نفس انسان آن را به عنوان خیر بشناسد و بدان اطمینان حاصل نماید، انس بگیرد و نفرت‌آور نباشد. در این صورت بدان منکر گفته خواهد شد. هر آنچه خیر شمرده شود؛ از مصادیق معروف و سبب فزونی و برکت خانه می‌گردد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «یقیناً سرعت نزول برکت به سوی خانه‌ای که از آن معروف تراوش می‌کند؛ از فرو رفتن کارد در کوهان شتر و رسیدن سیل به مقصد نهایی خود بیش‌تر است» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۳۰).

۸. صدقه

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «الصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبَلَاءَ وَهِيَ أَنْجَحُ دَوَاءٍ وَتَدْفَعُ الْقَضَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا وَلَا يَذْهَبُ بِالدَّوَاءِ إِلَّا الدُّعَاءُ وَالصَّدَقَةُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳: ۱۳۷): «صدقه بلا را برطرف می‌کند و مؤثرترین داروست. همچنین قضای حتمی را برمی‌گرداند و درد و بیماری‌ها را چیزی جز دعا و صدقه از بین نمی‌برد». صدقه نیکو صدقه‌ای است که منت دنبال آن نباشد، کریمانه پرداخت گردد و سبب ذلت و خواری‌گیرنده آن نشود و به صورت سری پرداخت گردد.

۹. زکات

زکات از مصادیق بارز صدقات است که به عنوان پشتوانه مالی برنامه‌های اجتماعی، در اصلاح ساختار جامعه و تطهیر زندگی، تزکیه نفوس و تألیف قلوب مردم، نقش بسزایی دارد. در روایات نیز آمده است: «الزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»: «زکات روزی انسان را

زیاد می‌کند» (جامع الأحادیث، ج ۹: ۵۲ و ۶۹). پرداخت زکات، باعث برکت و رشد مال می‌گردد و ترک زکات باعث از بین رفتن مال می‌گردد.

۱۰. مدارا در زندگی

پیامبر بزرگ اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَالْبِرَّةَ وَمَنْ يَحْرَمِ الرَّفْقَ يَحْرَمِ الْخَيْرَ» (طبرانی، ۴: ۱۴۰، ج ۲: ۳۴۸): «مدارا کردن با مردم باعث زیادی و برکت می‌شود، و کسی که محروم از مدارا است؛ از خیر و برکت محروم می‌شود». هر خانواده‌ای که مدارا نمود، خداوند روزی آن‌ها را وسعت می‌دهد.

۱۱. قناعت

قناعت ثروتی است حقیقی که پایان نمی‌پذیرد و انسان قناعت‌پیشه از تکیه‌گاهی بهره‌مند است که هیچ ثروتی تأمین‌کننده آن نیست. امام علی (ع) در حکمتی زیبا قناعت را توصیف فرموده است: «لَا كَنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ»: «هیچ گنجی پُرمایه‌تر و بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱). آدمی هرچه از مال و منال بهره‌مند باشد؛ باز میل به فزون‌خواهی آرامش او را می‌گیرد؛ اما قناعت، دارایی و ثروتی است که آرامش حقیقی به همراه می‌آورد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

۱۲. عدل و رعایت انصاف

امام علی (ع) می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ تَنْضَاعُ الْبَرَكَاتُ»: «رعایت عدالت باعث افزایش برکات می‌شود» (نوری، ج ۱۱: ۳۲۰). به وسیله حاکمیت عدل برکات و نعمت‌های خداوند دوچندان می‌شود. و این افزون‌بر آثار اجتماعی و سیاسی آن است.

۱۳. دعا

امام علی (ع) می‌فرماید: «الدَّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَمَصْبَاحُ الظُّلْمَةِ» (مجلسی، ۳: ۱۴۰، ج ۹۳: ۳۰۰): «دعا کلید گشایش رحمت الهی و چراغ روشن‌گر در تاریکی است». اگر دست به درگاه الهی بلند کنیم و هر درخواست و نیازی را تنها از او بخواهیم؛ ما را از

نعمت برکت بهره‌مند می‌سازد؛ چون دعا باعث می‌شود خود را نزد دیگران خوار نسازیم. تن به خواری و ذلت ندهیم.

موجودات بابرکت

۱. الله

خداوند متعال منشأ و سرآغاز همه خیرات و برکات در نظام آفرینش است و همه آفریده‌ها چه بدانند و چه ندانند؛ چه بخواهند و چه نخواهند به اندازه ظرفیت و شایستگی خود از برکات الهی برخوردارند. وجود خداوند ازلی و ابدی است و سرچشمه همه خیرات و برکات می‌باشد، و سرمایه‌ای است زوال ناپذیر و لایق‌ترین وجود برای این صفت همان وجود مبارک باری تعالی است.

۲. انبیاء الهی

انبیاء الهی یکی دیگر از مصادیق برکت می‌باشند و هر جا باشند عامل خیر و برکت‌اند، و اگر کسی آنان را الگوی خود قرار دهد از برکات الهی بهره‌مند می‌گردد. محمد بن ابی حمزه و گروهی دیگر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کنند که پیامبر (ص) فرمود: «همانا برای شما در زندگی من خیر و برکت است؛ چنانکه در مردنم عرض کردند: ای پیامبر خیر و برکت در زندگی‌ات را دانستیم ولی در مردنت چگونه برای ما خیر نهفته است؟ فرمود: در زندگی‌ام که خداوند فرموده است: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» اما در مردنم این گونه است که اعمال شما بر من عرضه شود و من برای شما آمرزش بطلبم (ابن بابویه، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۳).

۳. معصومان (ع)

در روایتی نقل می‌شود هرگاه غذایی برای امام صادق (ع) می‌آوردند می‌فرمود: «بسم الله وبالله، این از فضل الهی و از برکت محمد و آل محمد (ص) است. خدایا! همان گونه که ما را از آن بهره‌مند فرمودی هر مرد و زن مؤمنی را از برکت محمد و آل محمد (ص) سیر فرما و بر غذا، شراب، جسم و مال ما برکت عنایت بفرما» (نوری، ج ۱۶: ۲۷۸).

۴. زنان

بسیاری از مردان با توجه به آبرو و مقام زنانشان در زندگی موفق‌اند و هرچه دارند از صدق نیت همسرانشان می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِيَنَّكُمْ بِالْمَالِ»: «با زنان ازدواج کنید که آنان برایتان ثروت می‌آورند» (نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۱۷۴).

حضرت فاطمه زهرا (س) سرور زنان عالم می‌باشد که از وجود مبارک و با برکت ایشان، حضور ائمه (ع) می‌باشد. در روایت آمده است: «خذيها طاهرة مطهّرة بورک فيها وفي نسلها»: «بگیر این دختر پاک و پاکیزه را که در او و نسل او برکت قرار داده شده است» (ابن بابویه: ۵۹۳). به طور قطع کسی نمی‌تواند خیرات و برکات معنوی فاطمه (ص) را آن سان که هست درک کند؛ زیرا مردمان از شناخت وی عاجزند و در واقع، معرفت او از خلق گرفته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۶۵). اما برکتی که خداوند در اولاد و نسل آن بانو قرار داده است بر کسی پوشیده نیست.

۵. کودکان و افراد مسن

رسول الله (ص) فرمود: «إِنَّ الْبَرَكَاتَةَ فِي أَكْبَرِنَا فَمَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيُجِلَّ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا»: «همانا برکت در بزرگان ماست. هر کس به کوچک ما ترحم نکند و به بزرگ ما احترام ننماید از ما نیست» (سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۸۹). یکی از راه‌های ریزش خیر و برکت بر خانواده‌ها وجود افراد مسن می‌باشد. پیامبر اسلام در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «الْبَرَكَاتُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ» (متقی الهندی، ج ۳: ۱۷۲): «برکت با بزرگان شماسست». همچنین پیامبر اکرم (ص) در جای دیگر در مورد کودکان می‌فرمایند: «بَيْتٌ لَا صَبِيَانَ فِيهِ لَا بَرَكَاتَةَ فِيهِ»: «در خانه‌ای که کودکان نباشند برکت نیست» (همان: ج ۶: ۲۷۴).

۶. مؤمنان

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «هرگاه خدای متعال اهل یک آبادی را ببیند که در گناهان زیاده‌روی می‌کنند و در میان آنان سه نفر با ایمان هستند؛ به آنان خطاب می‌کند: ای کسانی که نافرمانی‌ام می‌کنید اگر میان شما مؤمنانی نبودند که در پرتو

جلال من با هم دوستی کنند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد سازند و سحرگاهان از بیم من به استغفار بپردازند عذابم را بر شما نازل می‌کردم و باکی هم نداشتم» (ابن بابویه، ج ۱: ۲۴۶). رسول الله (ص) می‌فرماید: «أَحِبُّوا الْمَعْرُوفَ وَأَهْلَهُ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ الْبَرَكَهَ وَالْعَافِيَةَ مَعَهُمَا (متقی هندی، ج ۶: ۳۴۵): «نیکی و نیکوکاران را دوست بدارید! سوگند به آن که جانم به دست اوست برکت و تندرستی با نیکی و نیکوکاران است». هر کس همنشین با مؤمنان شود همواره به یاد خداوند و روز بازگشت خواهد بود و همین یادآوری انسان را از ارتکاب گناه باز می‌دارد و چه برکت و رحمتی بالاتر از پیوسته به یاد خدا بودن نصیب انسان می‌گردد.

زمان‌های مبارک

۱. ماه رجب

رسول الله (ص) فرمود: «سُمِّيَ (شَهْرُ) رَجَبٍ شَهْرَ اللَّهِ الْأَصْبَّ لِأَنَّ الرَّحْمَةَ عَلَى أُمَّتِي تُصَبُّ صَبًّا فِيهِ». «رجب ماه خدا را اصب نامیده‌اند چراکه در این ماه بر امتم از سوی پروردگار، رحمت فراوان فرو می‌ریزد» (سیوطی، ج ۲: ۱۸۲). ریزش رحمت فراوان از جانب خداوند همان باز شدن درهای خیر و برکت به سوی انسان است.

۲. ماه شعبان

رسول الله (ص) فرمود: «إِنَّمَا سُمِّيَ شَعْبَانَ لِأَنَّهُ يُشَعَّبُ فِيهِ خَيْرٌ كَثِيرٌ لِرَمَضَانَ». «شعبان را شعبان نامیده‌اند چون در این ماه، خیر فراوانی برای روزه‌دار در آن منشعب می‌شود» (طوسی، ج ۱: ۳۹۷). در این ماه روزه گرفتن ثواب زیادی دارد و سبب می‌شود تا انسان با دوری از گناهان و روی آوردن به کارهای نیک خداوند را از خود خشنود نگه دارد و خشنودی خداوند، برکات فراوانی به همراه دارد.

۳. ماه رمضان و شب قدر

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ (بقره/۱۸۵)

«ماه رمضان که قرآن در آن نازل شد»

راهنمای مردم است و دلایلی روشن و آشکار از هدایت دارد، و مایه جدایی (حق از باطل) است». این ماه رمضان است، ماه با برکتی که خداوند روزه‌اش را واجب نموده است و درهای بهشت را در این ماه گشوده است. ماه رمضان ماه شکیبایی است و پاداش آن بهشت است. این ماه کمک (به دیگران) است. این ماهی است که خداوند روزی مردمان مؤمن را فراوان می‌گرداند. این ماهی است که اول آن، رحمت و وسط آن، آمرزش و پایش پذیرفتن دعا و آزادی از آتش دوزخ می‌باشد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۹۷).

﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ (قدر/۲)

«شب قدر بهتر از هزار ماه است»

قتاده و مقاتل گویند: «پس چون خدا خیر فراوانی را در شب قدر قرار داد از هزار ماهی که در آن خیر و برکتی که در این شب است در آن نباشد بهتر است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶: ۳۷۰).

۴. روز جمعه

رسول اکرم (ص) فرمود: «روز جمعه، سرور روزهاست. خداوند در آن روز، حسنات را می‌افزاید و گناهان را محو می‌کند و درجات را بالا می‌برد» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۶۱). در روز جمعه نماز جمعه برگزار می‌شود. در قرآن نیز مردم به سوی برگزاری این نماز فرا خوانده شده‌اند.

۵. عید قربان

امام سجاد (ع) در روز جمعه و عید قربان می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيِّمُونَ وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَفْطَارٍ أَرْضِكَ يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ» (آیتی، ۱۳۷۵ش: ۲۰۳): «پروردگارا این روز، روزی با برکت و خجسته است و مسلمانان در این روز از اطراف زمین تو گرد آمده‌اند. خواهنده، جوینده، امیدوار و بیمناک، همه حاضرند و تو به نیازهایشان می‌نگری».

۶. عید غدیر

از امام صادق(ع) سؤال شد: «آیا برای مؤمنان غیر از عید قربان، فطر و جمعه عیدی هست؟ فرمود: آری. روزی که پیامبر خدا در غدیر خم، پیمان ولایت علی(ص) را بر گردن مردان و زنان نهاد. گفتم: چه روزی؟ فرمود: روزها فرق می‌کند، روز هجدهم ذی الحجه. و فرمود: عمل آن روز با عمل هشتاد ماه، برابر است و سزاوار است که در آن روز، ذکر خدا و صلوات بر پیامبر(ص) را بسیار گویند و مرد بر خانواده خود، توسعه بخشد».

۷. سحر خیزی

حضرت رسول(ص) فرمود: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيَبْكُرْ إِلَيْهَا فَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُبَارِكَ لِمَتِّي فِي بُكُورِهَا» (ابن بابویه، ۱۳۶۷ش، ج ۳: ۵۷): «هرگاه یکی از شما کاری داشته باشد، صبح زود به دنبال آن کار رود. زیرا من از خدای خویش خواسته‌ام به کسانی از امت من که اول وقت به سر کار خویش حاضر شوند برکت دهد».

نوشتنی‌های بابرکت

۱. آب باران

امام علی(ع) در خطبه ۱۱۵ آورده است که: «خدایا! رحمت خود را با ابر پر باران و بهار پر آب و گیاهان خوش منظر شاداب بر ما نازل فرما. بارانی درشت قطره، بر ما فرو فرست که مردگان را زنده کند و آنچه از دست ما رفته به ما بازگرداند. خدایا! ما را با بارانی سیراب کن که زنده کننده، سیراب سازنده، فراگیر و به همه جا رونده، پاکیزه و بابرکت، گوارا و پر نعمت، گیاه آن بسیار، شاخه‌های آن به بار نشسته و برگ‌هایش تازه و آبدار باشد تا با چنان بارانی بنده ناتوان را توانبخشی و شهرهای مرده‌ات را زنده سازی».

۲. آب فرات

رسول الله(ص) فرمود: «يَنْزِلُ فِي الْفُرَاتِ كُلِّ يَوْمٍ مَثَاقِيلُ مِنْ بَرَكَاتِ الْجَنَّةِ» (خطیب بغدادی، ۱۳۴۹ش، ج ۱: ۵۵): «هر روز چند مثقال از برکت بهشت در آب فرات نازل می‌شود».

امام سجاد(ع) فرمود: «در شرق و غرب عالم، هیچ نهری از نظر خیر و برکت، همانند فرات نیست» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۶: ۳۸۹).

غذاهای با برکت

۱. زیتون

در این درخت منافع متعددی است. از جمله برای نور، خوراک، وسیله دباغی، هیزم و نیز از خاکسترش برای شستن ابریشم استفاده می‌شود. هفتاد پیامبر از جمله /براهیم(ع) برای زیتون طلب برکت نموده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ۲۲۷). پیامبر اکرم(ص) فرمود: «كُلُوا الزَّيْتِ وَأَدِّهِنُوا بِالزَّيْتِ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» (تنکابنی، ۱۳۷۹ش: ۴۱۴): «زیتون را بخورید و با آن پوست بدن خود را چرب کنید که زیتون از درختان پربرکت است». برگ و میوه و روغن درخت زیتون استفاده‌های زیادی دارد.

۲. نان

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «أَكْرِمُوا الْخُبْزَ وَعَظِّمُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ لَهُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَأَخْرَجَ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۵: ۲۴۵): «نان را گرامی بدارید و بزرگ بشمارید؛ چراکه خدای متعال برای تهیه آن، برکاتی را از آسمان فرو فرستاده و برکاتی را از زمین بیرون آورده است».

۳. خرما

رسول الله می‌فرماید: «إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَفْطِرْ عَلَي تَمْرٍ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ تَمْرًا فَالْمَاءَ فَإِنَّهُ طَهُورٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۲: ۲۹۶)؛ «هرگاه یکی از شما افطار می‌کند؛ با خرما افطار کند که برکت است و اگر خرما نیافت؛ با آب افطار کند؛ چراکه آب، پاک‌کننده است». با پیشرفت دانش پزشکی و غذاشناسی اهمیت دارویی «خرما» نیز به ثبوت رسیده است. در خرما کلسیم وجود دارد که عامل اصلی استحکام استخوان‌هاست و نیز فسفر وجود دارد که از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مغز و مانع ضعف اعصاب و خستگی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۱: ۱۷۱).

۴. نمک

پیامبر اکرم (ص) به امام علی (ع) فرمودند: «یا علی! غذا را با نمک شروع کن و با نمک ختم کن که درمان هفتاد درد است که از همه آرام‌تر آن دیوانگی، خوره و پیسی است» (ابن شعبه، ۱۳۶۷ش: ۲۷). در روایتی از نمک به عنوان برکت سفره نام برده شده است. برکت بر سفره‌ای است که بر آن نمک باشد (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۶: ۳۲۶).

۵. غذای سرد

وقتی غذای داغی برای امام صادق (ع) می‌آوردند فرمود: «بگذارید سرد شود؛ زیرا برکت در غذای سرد است» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴: ۴۰۰). ایشان (ع) در جای دیگر فرمودند برای پیامبر (ص) غذای بسیار داغی آوردند. فرمود: «خداوند آتش را غذای ما قرار نداد. بگذارید سرد و قابل خوردن شود؛ زیرا (غذای داغ) برکتش رفته و شیطان از آن بهره‌مند است» (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۲۴: ۳۹۹).

حیوانات با برکت

رسول الله (ص) فرمود: «شتر برای صاحبش عزت است و گوسفند، برکت است و خیر در پیشانی اسب‌ها تا روز قیامت بسته شده است». پیامبر اکرم (ص) همچنین فرمودند: «الْخَيْلُ مَعْقُودَةٌ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (برقی، ۱۳۳۰ش، ج ۲: ۴۷۲)؛ «نیکی‌ها و خوبی‌ها تا روز رستاخیز بر پیشانی اسب‌ها گره خورده است».

شغل‌های با برکت

۱. کشاورزی

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَالْحَرْثِ فَإِنَّهُمَا يَرْوِحَانِ بَخِيرٍ وَيَغْدَوَانِ بَخِيرٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۳۰۴)؛ «وظیفه شماست که به تربیت گوسفند و کشاورزی بپردازید که رفت و آمد هر دو خیر و برکت است». هر جا که زمینه مساعد وجود دارد و شرایط جغرافیایی و آب و هوا برای کشاورزی مناسب است؛ باید بخشی از

امکانات و توانمندی‌های جامعه به سوی احیای بخش کشاورزی و تولید محصولات آن گسیل شوند؛ زیرا شکوفایی اقتصادی با تحول در بخش کشاورزی رخ می‌دهد.

۲. تجارت

تجارت سبب برکت، نفی فقر و جلب رزق می‌شود. در روایتی از امام علی (ع) به اهمیت این موضوع اشاره شده است: امام علی (ع) می‌فرماید: «تجارت کنید تا خداوند به شما برکت دهد. من از پیامبر شنیدم که می‌فرمود: «روزی، ده بخش است. نه بخش، در تجارت است و یک بخش در غیر آن» (ابن بابویه، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۹۲).

مکان‌های بابرکت

۱. کعبه

یکی از مکان‌هایی که در قرآن با وصف مبارک از آن یاد شده است کعبه می‌باشد؛ کعبه نخستین خانه‌ای است که برای عبادت مردم قرار داده شد و در سرزمین مکه واقع است. این منطقه با خیر و برکت همراه است و سبب هدایت جهانیان می‌گردد. برکات معنوی این سرزمین و وحدتی که در پرتو آن مخصوصاً در مراسم حج به وجود می‌آید بر هیچ‌کس پوشیده نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۳: ۱۴).

۲. شام

سرزمین دیگری که برکات الهی شامل آن شده، سرزمین شام است. گرچه نام این سرزمین صریحاً در قرآن نیامده است؛ ولی با توجه به آیه اول سوره اسراء معلوم می‌شود همان سرزمین شام است که شامل فلسطین، سوریه، و لبنان می‌گردد که هم از نظر ظاهری پر برکت و حاصلخیز است و هم از نظر معنوی؛ چراکه کانون پرورش انبیاء بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳: ۴۵۲).

۳. بیت المقدس

سرزمین بیت المقدس، مکان دیگری است که مشمول برکات الهی شده است. پاک و

منزه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پر برکت ساخته‌ایم برد. این سرزمین مقدس، در طول تاریخ کانون پیامبران بزرگ خدا، و خاستگاه خداپرستی بوده است.

۴. وادی طور

از وادی طور نیز در قرآن با وصف مبارک یاد شده است:

﴿فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ﴾ (قصص / ۳۰)

«موسی هنگامی که به سراغ آتش آمد از کرانه راست دره، در آن سرزمین پر برکت، از میان یک درخت ندا داده شد»

مبارک بودن وادی به خاطر این است که معدن وحی، رسالت و کلام خداست. برخی گفته‌اند مبارک بودن آن به خاطر فراوانی درختان، میوه‌ها و خیر و نعمت‌هاست. ولی قول اول صحیح‌تر است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ۳۹۲).

۵. کربلا

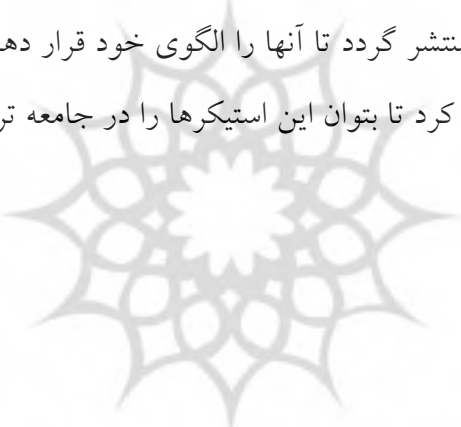
به خاطر وجود مبارک سرور و سالار شهیدان / امام حسین (ع) و دیگر شهدای واقعه بزرگ عاشورا یکی از جاهای متبرک و با برکت است که همیشه دوستداران اهل بیت را به سوی خود می‌کشاند. / امام صادق (ع) می‌فرمایند: «إِنَّ طَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) مِسْكَةٌ مُبَارَكَةٌ»: «خاک قبر حسین (ع) یک پاره مشک مبارک است».

۶. قم

شهر قم به سبب وجود پرخیر و برکت حضرت فاطمه معصومه (س) برکت یافته است. / امام صادق (ع) می‌فرماید: «سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمَّ يَسْقِي اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ وَيَنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰: ۲۱۷): «سلام خداوند بر اهل قم، خداوند سرزمین آنان را با باران سیراب می‌کند و برکت‌ها را بر آنان نازل می‌کند».

نتیجه بحث

اصل برکت به معنای سود و فایده ثابت است و آن با نمو قابل جمع است. برکت در قرآن به مفهوم ثبوت خیر خداوند در امری است. از آنجایی که خیرات از مقام ربوبیت الهی به طور نامحسوس صادر می‌شود؛ و مقدار و عدد آن هم قابل شمردن نیست؛ کلمه تبارک به طور خاص برای خداوند به کار رفته است. سایر مشتقات برکت در قرآن به اشخاص و امکان‌های نسبت داده شده است که از لحاظ مادی یا معنوی به این معنی ناظرند. برکات آسمان به فزونی باران و برکات زمین به فراوانی گیاه و میوه آن تفسیر شده است. در متون اسلامی، اسباب معنوی در کنار اسباب مادی آن قرار دارد. از یک سو روایات ما، تقوا، عبادت، طهارت، دعا، نماز، صدقه، استغفار و مانند این‌ها را زمینه‌های برکت و توسعه در زندگی معرفی می‌کند و از سوی دیگر دامداری، کشاورزی، تجارت و کار را پشتوانه و مایه برکت و توسعه می‌داند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۸۵ش، **عیون أخبار الرضا**، تحقیق السيد مهدی الحسینی اللاجوردی، بی‌چا، تهران: منشورات جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۴۰۷ق، **الأمالی**، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة.

ابن شعبه حرانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین. ۱۳۶۷ش، **تحف العقول**، ترجمه احمد جنتی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

ابن منظور، جمال الدین. ۱۴۰۵ق، **لسان العرب**، چاپ اول، قم: ادب الحوزه.

آیتی، عبد الحمید. ۱۳۷۵ش، **الصحیفة السجادية**، چاپ دوم، تهران: سروش.

بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۰۵ق، **صحیح البخاری**، تحقیق مصطفی دیب البغا، چاپ چهارم، بیروت: دار ابن کثیر.

حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۳ق، **وسائل الشیعه**، با تصحیح و تحقیق عبد الرحیم ربانی شیرازی، چاپ پنجم، بی‌جا: دار التراث العربی.

خطیب بغدادی، احمد بن علی. ۱۳۴۹ش، **تاریخ بغداد أو مدينة السلام**، بی‌چا، مدینه: المكتبة السلفية.

رحیمی اردستانی، مصطفی. ۱۳۷۷ش، **ترجمه المنجد**، چاپ اول، تهران: صبا.

سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۱ق، **الجامع الصغیر**، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.

طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۰۶ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تصحیح و تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طبرسی، الفضل بن الحسن. ۱۴۰۸ق، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه. طرابلسی، محمد بن علی. ۱۴۱۰ق، **کنز الفوائد**، چاپ اول، قم: دار الذخائر.

طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۴ق، **الأمالی**، تحقیق مؤسسه البعثة، چاپ اول، قم: دار الثقافة.

عبد الباقي، محمد فؤاد. ۱۳۹۷ش، **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم**، چاپ اول، قم: پرتو.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۱ق، **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، بیروت: دار التعارف.

متقی الهمدی، علی. ۱۳۹۷ق، **کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال**، چاپ اول، بیروت: مكتبة التراث الاسلامی.

مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۷۷ش، الصلاة في الكتاب والسنة، ترجمه عبدالهادی مسعودی، چاپ اول، قم: دار الحدیث.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
نوری، میرزا حسین. ۱۴۰۷ش، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل بیت.

Bibliography

Holy Quran.

Nahj al-Balagha, translated Jafar Shahidi, Tehran, 1375.

sign, Abdul Hameed Alshyfh Alsjadyh, Second Edition, Soroush, Tehran, 1375.

Ibn branch Harran, Abu Muhammad al-Hasan bin Ali bin Al Hussein, Thf Alqvl, translated by Ahmad Jannati, printing, Amir Kabir, Tehran, 1367.

Hurr Ameli, Mohammed ibn Hasan, means Heli, edited by Abdul Rahim Rabbani Shirazi research, Fifth Edition, with Altras Arabi, 1403.

Rahimi ARDESTANI, Mustafa, upholstered translation, printing, Saba, Tehran, 1377.

Klein, Mohammad Yaqub, al-Kafi, causal research Akbrghfary, Fourth Edition, with Altarf, Beirut, 1401.

Mohammadi Rey Shahri, Mohammed al-Kitab and Sunna Alslah advertisement, translation: Abdulhadi Masoudi, printing, Dar al-Hadith, Qom, 1377.

Makarem Shirazi, Naser, interpretation of, first edition, Daralktb Islamiyah, Tehran, 1374.

Nouri, Myrzahsyn, Mustadrakat Alvsayl Vmstnbt catechism, printing, al-Bayt Institute, Qom, 1407.

Headwaters Arabic

papal son, Mohammed bin Ali, the eyes News satisfaction, achieve: Mr. Mehdi Hussein Allajorda, my a, Jahan publication, Tehran 0.1385.

papal son, Mohammed bin Ali, aura of hopes, a first, founder of the Mission, then 0.1407.

son perspective, Jamal al-Din, the tongue of the Arabs, a first, literature estate, then 0.1405.

Bukhari, Muhammad bin Ismail, Sahih Bukhari, achieve: Mustafa Deeb Albga, aharm, Dar Ibn many, Beirut 0.1410.

Khatib Baghdadi, Ahmudbn Ali, the history of peace Bgdadoomdenh, my a, library Salafi City 0.1349.

resettlement, Jalal al-Din, a small mosque, afirst, Dar thought, Beirut 0.1401.

Tabatabaei, Mohammad Hussein, Tafsir al-Mizan, correct and best condition Syed Hashim Rasouli Mahallati, Dar revival of Arab heritage, Beirut 0.1406.

Tperse, Fadl ibn al-Hasan, the statement compound in the interpretation of the Koran, a first, Dar knowledge, Beirut 0.1408.

Trabelsi, Mohamed Ben Ali, nz benefits, a first, Dar ammunition, then 0.1410

Tusi, Mamedbn Hassan, aura of hopes, achieve the founder of the Mission, a first, the House of Culture, then 0.1414.

Abd al-Baqi, Mamedvaad, Concordance words Holy Quran, a first, rto, then 0.1397.

Indian Mottaki, Ali, nzalamal in Sunan words and deeds, a first, his office of Islamic Heritage, Beirut 0.1397.
Houses, Mohammed Baqer, Bihar al-Anwar, a Dom, fulfilling its founder, Beirut 0.1403.

